



دانشگاه مازندران

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

بررسی گومیچشن و ویچارشن در ازدواجهای
ایرانیان با نیرانیان در شاهنامه

استاد راهنما:

دکتر رضا ستاری

استاد مشاور:

دکتر مسعود روحانی

اساتید داور:

دکتر علیاکبر باقری خلیلی

دکتر حسین حسنیور آلاشتی

نام دانشجو:

مرضیه حقیقی

شهریور ماه ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاسگزاری

از دست و زبان که برآید کز عهدی شکرش به درآید

تقدیر و سپاس از همهی کسانی که مرا در این مهم یاری نموده‌اند:

استاد گرامی و ارجمندم، دکتر رضا ستاری که مسئولیت راهنمایی این پژوهش را بر

عهده داشتند و پیوسته راهنماییهای دلسوزانهی ایشان چراغ راه من بوده است.

دکتر مسعود روحانی که مسئولیت مشاورهی این پژوهش را بر عهده داشتند.

تقدیم به:

پدر و مادر عزیز و گرانقدرم
که در کوره راه تنگ و تاریک زندگی، دعای خیر
آنان، همواره بدرقه‌ی راه من بوده است و اگر حمایت و پشتیبانی آنان نبود
کام برداشتن را نمی‌آموختم.

چکیده

شاهنامه‌ی فردوسی، برجسته‌ترین اثر حماسی در زبان فارسی است که بیشترین مفاهیم و باورهای تاریخی و اساطیری، در آن تجلی یافته است. از جمله‌ی مهمترین مسائل مورد توجه در این کتاب، انعکاس اساطیر مربوط به آفرینش و باورهای فردی و اجتماعی مردمان ایران باستان پیرامون آن بوده است.

در اسطوره‌ی آفرینش، هستی از آمیزش دو بن ناساز اهورایی و اهریمنی، طی چهار دورهی زمانی سه هزار ساله شکل گرفته است. این باور اسطوره‌ای، در شاهنامه، در قالب تقابل ایران و نیران نمود یافته است. نبردهای ایرانیان با غیرایرانیان از یک سو، و ازدواج مردان ایرانی با زنان نیرانی از سوی دیگر، نشان دهنده‌ی تأثیرات ژرفی است که اسطوره‌ی آفرینش بر حماسه‌ی ملی بر جای نهاده است. علاوه بر آن، دوره‌های سه هزار ساله در اسطوره، در شاهنامه به سه دورهی هزار ساله تقبیل یافته که در ژرفساخت خود، اندیشه‌ی بنیادی تضاد و نبرد میان دو نیرو را حفظ نموده است.

بنابر اندیشه‌ی بنیادی شاهنامه، ایران، سرزمین مقدس و اهورایی است و نیران، سرزمین پلیدی و اهریمنی است. از اینرو، پیوند مردان ایرانی با زنان نیرانی، یادآور دوران گومپیشن (آمیزش) در حیات اسطوره‌ای است که با فاجعه‌ای از نوع مرگ و یا جنگ و خونریزی به دوران ویچارشن (رهایی) میرسد.

رویکرد فردوسی به چنین پیوندهایی، که در آنها، همواره زنان از میان غیرایرانیان و دشمنان انتخاب شده‌اند، از باورهای هنجارشناختی پیرامون آمیزش نخستین آسمان و زمین سرچشمه میگیرد. مطابق این باور، هستی از آمیزش آسمان پدر که تجلی پاکی و روشنایی است، با زمین مادر که تجسم تیرگی و آلودگی است، پدید آمده است. این نوع نگاه به زن و زمین، پس از گسترش فرهنگ پدرکانون آریاییهای مهاجر در ایران شیوع یافته است، چرا که تا قبل از این دوران، پرستش الهه‌های مادر مرسوم بوده و زنان از تقدس برخوردار بوده‌اند.

آنچه در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته است، بررسی اسطوره‌ی آفرینش و دگردیسی‌های آن در شاهنامه و به ویژه، در ازدواج‌های ایرانیان با نیرانیان بوده است که در بسیاری موارد با اندیشه‌های پدرسالارانه مطابقت دارد و نشان دهنده‌ی ساحت مردمآبانه‌ی اساطیر و باورهای کهن ایرانی است.

واژه‌های کلیدی

شاهنامه‌ی فردوسی، ایران، نیران، گومیچشن، ویچارشن، برونهمسری.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲-۱	مقدمه
۳	فصل اول: کلیات.....
۱۸-۴	۱ + - تعریف مسأله
۲۰-۱۹	۱ ۴ - پژوهشهای علمی انجام شده.....
۲۱	۱ ۴ - فرضیات پژوهش
۲۲	فصل دوم.....
۳۸-۲۴	بخش اول.....
۲۴	۲-۱- آیین ازدواج در ایران باستان
۳۴-۲۴	۲-۱-۱- انواع ازدواج در ایران باستان.....
۲۹-۲۵	۲-۱-۱-۱- ازدواج با محارم.....
۳۲-۲۹	۲-۱-۱-۲- ازدواج با بیگانه.....
۳۴-۳۲	۲-۱-۲-۱- برون همسری در میان مردان ایرانی
۳۹-۳۴	۲-۱-۲- حقوق زناشویی در ایران باستان.....
۳۵	۲-۱-۲- پادشازن.....
۳۵	۲-۲-۱- ایو کین زن.....
۳۶	۲-۳-۱- خودسرزن.....
۳۸	۲-۴-۱- سترزن
۳۸	۲-۵-۱- چاکرزن.....

بخش دوم	۴۰
۲-۲- جایگاه زن ایرانی در گسترهی تاریخ	۴۱-۵۰
۲-۲-۱- دورهی مدرسالاری یا مادرشاهی	۴۱-۴۶
۲-۲-۲- دوران پدرسالاری یا پدر- خدایی	۴۶-۵۰
فصل سوم.....	۵۱
بخش اول.....	۵۲
۳-۱- اسطورهی آفرینش	۵۳-۶۸
۳-۱-۱- دورههای آفرینش در اساطیر زردشتی	۵۵-۶۵
۳-۱-۱-۱- آفرینش مینوی	۵۵-۵۷
۳-۱-۱-۲- بندهشن	۵۷-۵۸
۳-۱-۱-۳- گومیچشن (=آمیزش)	۵۹-۶۳
۳-۱-۱-۴- ویچارشن (=رهایی)	۶۳-۶۵
۳-۱-۲- اسطورهی آفرینش در آیین زروانی	۶۵-۶۸
بخش دوم.....	۶۹
۳-۲-۱- آمیزش آسمان و زمین در باور اساطیری	۷۰-۷۹
۳-۲-۱-۱- اهریمنی بودن زن و زمین	۷۵-۷۹
فصل چهارم.....	۸۰
بخش اول: ازدواج ایرانیان با نیرانیان در شاهنامه	۸۱
۴-۱-۱- داستانهای برونهمسری در شاهنامه	۸۲-۱۳۱
۴-۱-۱-۱- پیوند پسران فریدون با دختران شاه یمن	۸۲-۸۷

- ۹۵-۸۷ پیوند زال با رودابه، دختر مهرباب کابلی ۲-۱-۱-۴
- ۹۹-۹۵ پیوند کاوس با سودابه، دختر شاه هاماوران ۳-۱-۱-۴
- ۱۰۷-۹۹ پیوند رستم با تهمنه، دختر شاه سمنگان ۴-۱-۱-۴
- ۱۱۲-۱۰۷ پیوند کاوس با مادر تورانی سیاوش ۵-۱-۱-۴
- ۱۱۵-۱۱۲ پیوند سیاوش با جریره، دختر پیران ویسه ۶-۱-۱-۴
- ۱۲۰-۱۱۵ پیوند سیاوش با فرنگیس، دختر افراسیاب ۷-۱-۱-۴
- ۱۲۵-۱۲۰ پیوند بیژن با منیژه، دختر افراسیاب ۸-۱-۱-۴
- ۱۳۱-۱۲۵ پیوند گشتاسپ با کتایون دختر قیصر روم ۹-۱-۱-۴
- ۱۳۲ بخش دوم ۱۳۲
- ۱۵۹-۱۳۲ تأثیر اسطوره‌ی آفرینش بر شاهنامه‌ی فردوسی ۲-۴
- ۱۴۱-۱۳۳ اعتقاد به دو بن اهورایی و اهریمنی ۱-۲-۴
- ۱۳۹-۱۳۶ ایرانیان اهورایی و نیرانیان اهریمنی ۱-۱-۲-۴
- ۱۴۱-۱۳۹ نیران (غیرایرانی) ۲-۱-۲-۴
- ۱۵۹-۱۴۲ گومیچشن و ویچارشن در شاهنامه‌ی فردوسی ۲-۲-۴
- ۱۵۱-۱۴۲ هزاره‌های آفرینش در بخش پهلوانی شاهنامه ۱-۲-۲-۴
- ۱۴۶-۱۴۴ بندهشن ۱-۱-۲-۲-۴
- ۱۴۶ گومیچشن ۲-۱-۲-۲-۴
- ۱۵۱-۱۴۶ ویچارشن ۳-۱-۲-۲-۴
- ۱۵۹-۱۵۱ گومیچشن و ویچارشن در ازدواج ایرانیان با نیرانیان در شاهنامه ۲-۲-۲-۴
- ۱۹۳-۱۶۰ بخش سوم: برون همسری در شاهنامه ۱۹۳-۱۶۰

- ۱-۳-۴- رویکرد فردوسی به برون همسری برای مقابله با سنت خویدوده ۱۶۴-۱۶۱
- ۲-۳-۴- عناصر مشترک در پیوندهای برون همسری ۱۹۳-۱۶۵
- ۱-۲-۳-۴- سفر اکتشافی مرد برای یافتن همسر ۱۶۹-۱۶۵
- ۲-۲-۳-۴- پیشگامی زنان در ازدواج ۱۸۲-۱۶۹
- ۱-۲-۲-۳-۴- اغوای مردان ایرانی توسط زنان نیرانی ۱۷۹-۱۷۰
- ۲-۲-۲-۳-۴- پیشگامی زنان و ارتباط با فرهنگ پدرسالاری ۱۸۲-۱۷۹
- ۳-۲-۳-۴- آزمون و نبرد مرد برای به دست آوردن همسر ۱۸۴-۱۸۲
- ۴-۲-۳-۴- مخالفت پدر دختر در این پیوندها ۱۸۶-۱۸۴
- ۵-۲-۳-۴- نحوه اقامت عروس و داماد پس از ازدواج ۱۹۰-۱۸۶
- ۶-۲-۳-۴- انتقال خون از طریق مرد ۱۹۱-۱۹۰
- ۷-۲-۳-۴- جایگزینی موبدان و رهبران مذهبی مذکر به جای الهه‌های مادر ۱۹۳-۱۹۱
- فصل پنجم: نتیجه گیری ۱۹۹-۱۹۴
- منابع و مأخذ ۲۱۳-۲۰۰

فهرست علائم و اختصارات

جلد ج

صفحه ص

شاهنامه‌ی فردوسی، به رغم بهره‌مندی از منابع عظیمی از افسانه‌ها و روایات برخاسته از زندگی مردم، که فردوسی آنها را از میان انبوهی از افسانه‌ها و روایات مکتوب و شفاهی استخراج نموده است، برجسته‌ترین سند به جا مانده از گذشته‌های بسیار دور سرزمین ایران است. ایران، سرزمینی است که در گذشت روزگاران، با فراز و نشیب‌های فراوانی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... همراه بوده است و شاهنامه، بازتاب تمامی عرصه‌های زندگانی بشری در طی این اعصار بوده است.

تجلی اساطیر و باورهای کهن اسطوره‌های در این نامهی نامور، بیش از هر چیز دیگری درخور توجه است. یکی از بنیادین‌ترین مفاهیم اسطوره‌های انعکاس یافته در شاهنامه، اسطوره‌ی مربوط به آفرینش و تقابل نیروهای نیکی و بدی است. این مفاهیم، هم در رویدادهای مربوط به زندگی سیاسی مردم، در قالب نبردهای خونین ایران و نیران نمود یافته و هم در زندگی شخصی و فردی آنان به صورت ازدواج مرد ایرانی با زنی نیرانی.

پهلوانان برجسته‌ی ایرانی در شاهنامه، همواره با زنانی از سرزمین دشمن پیوند میگیرند. این رویکرد با توجه به روحیه‌ی ایرانی‌گرایی و نیرانی ستیزی ایرانیان، نیاز به بحث و بررسی بیشتری دارد. با توجه به اهمیت اساطیر و باورهای مندرج در شاهنامه‌ی فردوسی و نیز، شناخت جایگاه زن در باورهای ایرانی و انعکاس آن در شاهنامه، برآنیم تا ازدواجهای ایرانیان با نیرانیان را در حماسه‌ی ملی، بر اساس اسطوره‌ی آفرینش بررسی نماییم. از آنجا که بخش پهلوانی شاهنامه، تجلی‌گاه اندیشه‌های اساطیری است و غالب ازدواجهای مورد نظر، در این بخش آمده است، حدود بررسی‌های خویش را به این بخش از شاهنامه محدود ساختهایم.

ابیات استفاده شده در این پژوهش نیز، به کتاب نامه‌ی باستان، گزارش و پژوهش میرجلال‌الدین

کزآزی ارجاع داده شده است.

فصل اول:

کلیات

۱-۱- تعریف مسأله

یکی از مهمترین بنمایه‌های اسطوره‌های که اساس باورشناسی باستانی ایران را تشکیل می‌دهد، اسطوره‌ی آفرینش است. «ایرانیان کهن چرخه‌ی هستی را زمانی دوازده هزار ساله میدانسته‌اند؛ به باور آنان هستی از آغاز تا انجام دوازده هزار سال به درازا میکشیده است. این دوازده‌هزار سال را میتوان سال اسطوره‌های شمرد. به همان سان که هر سال چهار فصل دارد، در گاهشماری اسطوره‌های نیز زمان دوازده هزارساله به چهار دوره بخش میشود، هر دوره سه هزارسال می‌آید. آفرینش پس از سه هزاره - ی نخستین که همه چیز در توان (بالقوه) است و هنوز به کردار آورده نشده است، از سه دوره‌ی جدا از یکدیگر میگذرد.» (کزازی ۱۳۶۸ : ۳-۴) بنابراین، آفرینش طی چهار دوره‌ی سه هزار ساله انجام می -

گیرد :

۱-۱-۱- آفرینش مینوی: «در این سه هزارهی نخستین، آفرینش هنوز مینوی است و در اندیشه‌ی

اورمزد میگذرد و از توان به کردار نیامده است.» (کزازی الف، ۱۳۸۴: ۹۵) به عبارت دیگر تنها

«امشاسپندان، ایزدان و فروهرها در این دوره آفریده میشوند.» (راشدمحصل، ۱۳۸۱: ۸۲)

۱-۱-۲- بُندهشن: در این دورهی سه هزار ساله که به معنی «آفرینش آغازین» است (کزازی الف،

۱۳۸۵: ۲۳۴)، «آفرینش مینوی، صورت مادی به خود میگیرد، اما حرکت و جنبش در این آفریده‌ها

وجود ندارد.» (همانجا) در حقیقت بندهشن «نخستین دوره از ادوار سه‌گانهای است که تاریخ کیهانی

بدان تقسیم میشود» (بویس، ۱۳۸۵: ۵۰) و تا قبل از این دوره، آفرینش هنوز شکل کیهانی نداشته و

در این دوره، از قوه به فعل در می‌آید و «پیکر میپذیرد و به نمود میرسد، اما هنوز پاک و پیراسته

است.» (کزازی الف، ۱۳۸۴: ۹۵) این دوران «شامل شهریاری سه هزارسالهی اهورامزدا است که ضمن

آن به آفرینش گیتی میپردازد و در این دوران، مرد نخستین و گاو یکتا آفریده و دیگر دام و دهشن

اهورایی فارغ از پتیارهی اهریمن در آرامش و آشتی میزیند.» (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۱۰۱)

۱-۱-۳- گومیچشن (= آمیزش): «دوران تازش اهریمن و کارگزارانش بر آفرینش نیک، سومین

دورهی سه هزارساله از دوازده هزارهی میان آفرینش و رستاخیز، در گاهشماری اسطورههای ایرانی

است.» (دوستخواه، ۱۳۸۰: ۲۱۹) بنا بر متن بندهشن «... هرمزد فراز پایه، با همه-آگاهی و بهی، زمانی

بیکرانه در روشنی میبود... اهریمن در تاریکی، به پس - دانشی ژرف پایه بود... میان ایشان تهیگی بود

که وای است، که آمیزش (دو نیرو) بدو است... اهریمن، به سبب پس - دانشی و زدارکامگی (= میل به

نابودگری)، از هستی هرمزد آگاه نبود؛ سپس، از آن ژرف پایه برخاست، به مرز دیدار روشنان آمد.

چون هرمزد و آن روشنی ملموس را دید، به سبب زدارکامگی و رشک گوهری، فراز تاخت، برای

میراندن تاخت آورد.» (دادگی، ۱۳۸۵: ۳۳-۳۴)

در گزیده‌های زادسپرم نیز، به تازش اهریمن بر آفرینش اهورایی اشاره شده است: «پس در دین چنان پیداست که روشنی بالا و تاریکی زیر و میانهی هردوشان گشادگی (= فضای باز) بود. اورمزد در روشنی و اهریمن در تاریکی بود... اهریمن برای حمله، به سوی بالا آمد و تیغ (= پرتو) روشنی را فراز دید. به سبب جداگوهری با او، کوشید بدو رسد و همان گونه بر او پیروز شود که بر تاران (= موجودات اهریمنی) نیز پیروز شده بود.» (گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۶۶: ۱-۲)

در این دوره که گومپیشن (آمیزش / آمیختگی) نامیده میشود، و «با هفتمین هزاره از آغاز آفرینش شروع میشود، دوره‌ی آمیختگی خوبی و بدی، روشنی و تاریکی و به طور کلی آمیزش اراده‌ی هرمزد و اهریمن است. در آغاز این دوره است که اهریمن از تاریکی به مرز روشنایی می‌آید و آفریدگان روشن هرمزد را میبیند و به فکر مبارزه با هرمزد و نابودی آفریدگان او میافتد و به دنبال این اندیشه به آفریدگان او حمله میکند و با هر یک از آنان به نوعی نبرد میکند و جهان مادی را می - آلوده.» (راشد محصل، ۱۳۸۱: ۸۳) «براساس اسطوره‌های آفرینش، پس از خلق جهان مینوی و خلق امشاسپندان، ایزدان و فروهرها توسط اهورامزدا، اهریمن نیز بیکار نمیشیند و دست به آفرینش موجودات زیانکار و خلق جهان بدی میزند. ابتدا کمالیگان را در مقابل امشاسپندان و سپس دیوان را در برابر ایزدان پدید می‌آورد. بنابراین در مقابل هر ایزدی، دیوی گمارده میشود.» (صفاری، ۱۳۸۳:

(۸۰)

در «شایست ناشایست» نیز، به این نکته اشاره شده است: «... بخت آفریده گفته است که هر آفریده‌های را هرمزد برای همیستاری (= مقابله‌ی) یک پتیاره و پت را برای همیستاری هر دروج داده (= آفریده) است.» (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۲۴۶) «چنان که اهورامزدا برای اداره‌ی امور خیر، امشاسپندان و ایزدان را زیر دست خود دارد، اهریمن نیز دستهای از موجودات خبیث، یعنی دیو و دروج و جادو و پری، زیر دست خود دارد.» (صفا، ۱۳۸۴: ۶۰۶) این دوگانه انگاری و اعتقاد به دو بن

ناساز، رفته رفته به صورت تقابل جهانی - فراج جهانی (گیتی / مینوی) میان خدای نیک، اهورامزدا و

خدای بد، اهریمن، که هر کدام خلقت و مخلوقات خود را داشتند، درآمد. (بوزانی، ۱۳۶۲: ۸۲)

اهریمن با همهی آفریدهها و سپاه تاریکی که برای مبارزه با اهورامزدا و آفرینش پاک او به وجود

آورده است، به تازش خود ادامه میدهد و همراه با آن علاوه بر «شرو ر جسمانی، هر پلیدی اخلاقی و

معنوی آزاردهندی انسان را هم پدید میآورد.» (بویس، ۱۳۸۵: ۵۱) اهریمن در این دوره، مرد نخستین

و گاو یکتا آفرید را از پای در میآورد. «پیآمد این آرایش و آمیزش مرگ و نابودی است که سرآمد و

سرنوشتی است ناگزیر هر آمیختهی آلوده را.» (کزآیالف، ۱۳۸۴: ۹۶) «در طول دوران آمیزش، مرگ،

روانهای آدمیان را وامیدارد جهان گیتی را ترک گویند و برای مدتی به مرحلهی مینوی ناقص

بازگردند.» (بویس، ۱۳۸۵: ۵۱)

۱-۱-۴- ویچارشن (= جدایی): بخش پایانی از چرخهی آفرینش شامل یک دورهی سه هزار ساله

است که «با ظهور زرتشت آغاز میشود» (راشدمحصل، ۱۳۸۱: ۸۳) و در آن «آفرینش آلوده و آمیخته

به پاکی و پیراستگی پیشین، به بندهشن، باز میگردد و دیگر بار یکسوگی نخستینش را فرا دست می -

آورد.» (کزآیالف، ۱۳۸۴: ۹۶) «مطابق روایات دینی، پس از حملهی اهریمن به دام و دهشن اهورامزدا

و چیرگی بر گیتی و پس از سرآمدن دوران سه هزار سالهی شهریاری اهریمن، آفرینش اهورایی به دفاع

برمیخیزد و همهی عناصر گیتی - از آب و آتش گرفته تا آسمان و زمین و گیاه - با سپاه دیوانهی

اهریمن به ستیزه میپردازند و اهریمن را گرفتار میکنند.» (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۱۰۵)

دورهی ویچارشن، «تجدید دوران بندهشن است، جز آن که در این جا، موجودات زنده، به آن

وحدت اصلیشان باز نمیگردند. در حالی که در آغاز، یک جانور و یک انسان وجود داشت، در پایان

جهان، گونهها و شمار فراوانی که از اینان برخاستهاند، از آن پس جاودان باقی میمانند. به همین سان،

بسیاری از موجودات مینوی هم که اهورامزدا آفریده است، هستیهای جداگانهی خویش را ادامه می -

دهند.» (بویس، ۱۳۸۵: ۵۳) دوره‌ی چهارم آفرینش، مرحله‌ای در تاریخ جهان است که در آن نبرد میان دو اصل اخلاقی، به شدیدترین مرحله‌ی خود میرسد، این مرحله در حیات جهان قابل قیاس با مرگ در حیات فردی است که مرحله‌ی فرجامین پایان جهان است. این جهان، دیگر جهان آمیخته نیست، بلکه از وجود اهریمن بدی پالوده شده و تعالی یافته است. (شاکد، ۱۳۸۴: ۹۳)

در آغاز هر یک از هزاره‌های سه‌گانه‌ی فرجامین، یکی از فرزندان زرتشت سر برمیآورد و زمینه را برای جدایی فراهم می‌سازد: در آغاز هزاره‌ی نخستین، که اولین هزاره از آفرینش مادی است، هوشیدر، در آغاز هزاره‌ی دوم، هوشیدرماه، و در آغاز هزاره‌ی سوم، سوشیانس. بدینسان چرخهای از آفرینش و سالی اسطورهای به پایان میرسد؛ تا چرخهای دیگر و سالی دیگر. (کزایالف، ۱۳۸۵: ۲۳۴)

«جهانی که پس از ظهور آخرین نجات بخش، یعنی سوشیانس، ساخته میشود، با جهان آغازین، یعنی آن گاه که از اهریمن و یارانش خبر نبود، همانند است. در این جهان همه چیز بر مبنای دین است و در زیر قدرت کامل هرمزد و بر وفق دستور او اداره میشود.» (راشدمحصل، ۱۳۸۱: ۶۸-۶۹)

اعتقاد به چرخهای آفرینش و نبرد میان دو بن ناساز خیر و شر، بسیاری از آثار ادبی ما را تحت تأثیر قرار داده است، به طوری که میتوان گفت اساسیترین بنمایه‌های فکری ایرانیان را تشکیل می‌دهد. از این میان، شاهنامه‌ی فردوسی نیز، برکنار نمانده است. به عقیده‌ی سرکاراتی، «افسانه‌های حماسی ایران باستان، در پرداخت نهایی، آگاهانه یا ناآگاهانه، بر مبنای این باورهای کهن اساطیری شکل گرفته و سامان پذیرفته‌اند و چنین شده است که در کنار روایات دینی و آیینی، یک آرایش حماسی نیز از این جهانبینی کلی پرداخته شده است که ما آن را در بخش پهلوانی شاهنامه مشاهده میکنیم.» (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۹۸-۹۹) به تعبیر اسلامی ندوشن، «شاهنامه کتاب نبرد بین خوبی و بدی است که از آیین مزدایی و اندیشه‌ی ایران پیش از اسلام مایه گرفته است.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۵: ۱۰۹)

«ستیز و نبرد در ادیان باستانی قوم آریا و دین زردشت و مانی، میان نیروهای اهورایی و اهریمنی،

پیوسته و لایزال است و رنج و الم انسان در جهان هستی و مرگ، مولود این تراژدی آفرینش است. حکیم طوس در بنای کار عظیم شاهنامه به این جریان سیال دائمی توجه فراوان داشته و تفکرات فلسفی وی از آن منشأ سیراب می‌گردد.» (تجدد، ۱۳۶۵: ۸۳)

فردوسی در تدوین شاهنامه‌ی منظوم خود، به این مبانی اسطوره‌های توجه داشته است، ولی برخلاف بسیاری از پردازندگان متون اساطیری، «از طرح داستانهای شگفت انگیز آفرینش در آغاز شاهنامه خودداری کرده است ... در شاهنامه، همهی نیروهای ماوراءطبیعی به صورت انسان در می‌آیند ... فردوسی، در عین حال که اقتدار و توانمندیهای مادی و معنوی انسان را میستاید، از نیروهای شر غافل نمی‌ماند و با کاستن از ظهور مستقیم اهریمن، وظایف او را به دیوان و اژدهایان و دشمنان ایران، وامیگذارد.» (رستگارفسائی، ۱۳۸۱: ۱۵۵-۱۵۶) بدین ترتیب دوره‌های آفرینش در شاهنامه به روشنی نمود می‌یابد: عصر پیشدادی که در آن شاهانی با فره سلطنت می‌کنند، قابل قیاس با بندهشن است. در دوره‌ی گومیچشن، ضحاک از اهریمن فرمان میراند و بر آفرینش اهورایی میتازد، و در بخش سوم با از میان رفتن افراسیاب به دست کیخسرو، دوران ویچارشن حماسه آغاز می‌شود. (بهار، ۱۳۸۵: ۱۰۵-۱۰۶) «بزرگترین نشانه‌ی نمایان این ناسازگاری، دشمنی دیرپای ایران و توران است، به سرکردگی رستم و سپس کیخسرو از سوی، و افراسیاب از سوی دیگر.» (مسکوب، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

سرزمین اهورایی که شاهنامه موضوع خود را در آن متمرکز کرده است، ایران است، همه چیز بر گرد این نام و این خاک می‌گردد. ایران کشوری میان خاور و باختر است، آبادتر و آراسته‌تر از جاهای دیگر و به زعم شاهنامه، دارای مردمی متمدنتر. (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۲۱) «از دید روان شناسی اسطوره، ایران سرزمین مزدا است؛ سرزمین فروغ و قلمرو نیکی است. جان رخشان است و آفرینش نیالوده. در برابر آن، توران سرزمین تیرگی؛ تن تیره و کنام اهریمن است. کین و کشاکش ایران با

توران، ستیز هموارهی جان است با تن؛ نبرد روشنی است با تیرگی؛ پیکار نیکی است با بدی؛ و نیز آویزش جاودانگی است با میرایی، در گومیچشن. این کشمکش میباید تا پیروزی فرجامین، تا یکسره شدن کار در آفرینش آمیخته، تا ویچارشن، تا زمانی که ایران، توران را در هم کوبد و از کار و کوش بیندازد.» (کزازی، ۱۳۶۸: ۵-۶)

در اندیشهی اساطیری ایران «بسیاری از اشیاء و موقعیتهای ذاتاً شر و اهریمنی هستند. تمام غیر ایرانیان (انیران) در قیاس با ایرانیان شرّ مجسم هستند.» (بوزانی، ۱۳۶۲: ۹۹) حمیدیان، شر انگاشتن هر چیز انیرانی را، منبعث از خاطرهی قوم ایرانی و مبتنی بر صدمات و مصائب و کلاً هر تأثیر تلخی می - داند که از جانب انیران در روزگاران باستان در حافظهی این قوم ثبت شده است. (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۱۰۳) ماسه نیز، معتقد است که ستیزه میان دو نیروی خیر و شر، که به فرمان اهورامزدا و اهریمناند، در جنگهای ایرانیان و تورانیان به شکل تاریخی دوباره پدیدار شده است. در این میان، ایرانیان مظاهر خیر و تورانیان، مظاهر شر به شمار میآیند. (ماسه، ۱۳۷۵: ۲۳۶-۲۳۷)

در شاهنامه، همواره عناصر ناساز در برابر یکدیگر قرار میگیرند و این تنها به ستیز ایران و توران محدود نمیشود. گاه این ستیز میان پهلوان ایرانی و تورانی است، گاه دو پهلوان ایرانی، گاهی میان پدر و فرزند و حتی گاهی در خود شخصیتها اتفاق میافتد. برای نمونه وجود رستم از دو نژاد ایرانی و ضحاکي تشکیل میشود و این دوگانگی را در بیشتر پهلوانان و شاهزادگان شاهنامه مشاهده میکنیم. نکتهی قابل توجه در روند داستانهای شاهنامه، این است که همواره پهلوانان و شاهان بزرگ که در روند رویدادها نقش اساسی را بر عهده دارند، با زنانی غیر ایرانی (انیرانی) ازدواج میکنند که به اعتقاد بهار، «معرف نوع ازدواجهای برون طایفهای در درون قبایل بدوی است.» (بهار، ۱۳۸۵: ۳۹) «یکی از هنجارها و بنیادهای مردم شناختی، در فرهنگهای آغازین و باستانی، پیوندهای برون تیره‌های است که